

باهم بخوانیم...

لطفا از این طرف

نویسنده: الیزابت مورفی، مترجم: فیروزه نیوندی

انتشارات بنیاد فرهنگ زندگی

چاپ سوم، سال ۱۳۹۲، ۱۸۰ صفحه

«الیزابت مورفی» با معرفی و توصیف شانزده تیپ روانشناختی براساس تئوری روانکاوی یونگ، راه کارهای موثری برای بهبود رابطه مثبت پیشنهاد می دهد. انسان ها در چهار حوزه مختلف: مواجهه با جهان، درک جهان پیرامون خود، تصمیم گیری و نگرش در مورد جهان با هم متفاوت عمل می کند و از تقابل این تفاوت ها است که انواع تیپ های شخصیتی شکل می گیرد. برخی از موضوعاتی که این کتاب به آن می پردازد: بهترین روش تدریس برای هر تیپ شخصیتی چیست؟ بهترین روش انتقاد از او چه گونه است؟ مناسب با تیپ فرزندم چه گونه با او صحبت کنم که تاثیرگذار باشم؟ چه گونه صحبت کردن با کودک می تواند در او مقاومت ایجاد کرده و نتیجه غلط بدهد؟ مطالب این کتاب راه گشای والدین، معلمینی خواهد بود که به دنبال ارتباط موثرتر با کودکان هستند.

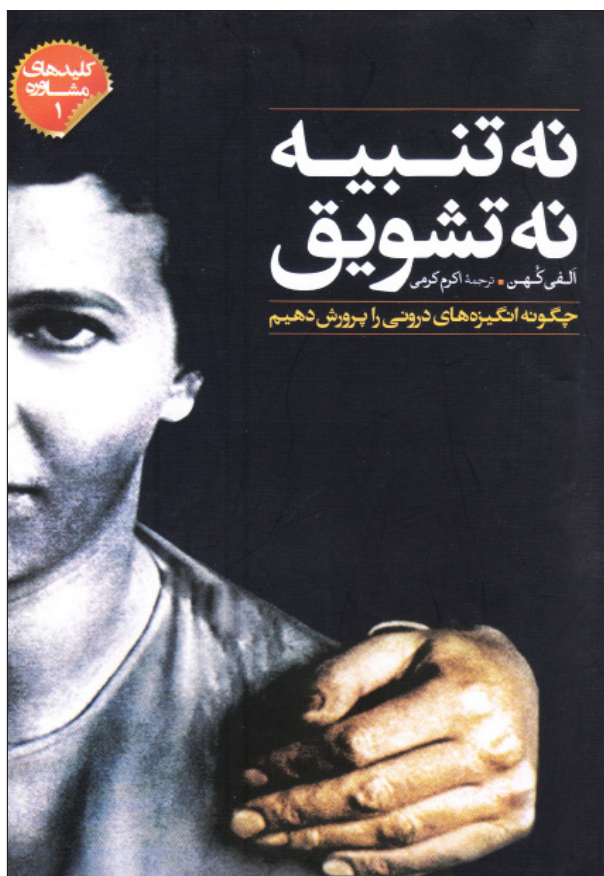


نه تنبیه نه تشویق

نویسنده: الفی کهن، مترجم: اکرم اکرمی

انتشارات: صابرین

چاپ پنجم، ۱۳۹۷، ۳۵۲ صفحه



معمول است وقتی می‌خواهیم کسی را به کاری مجبور کنیم برایش پاداش و در صورت سرپیچی تنبیه در نظر بگیریم. در مدارس با دادن ستاره و برچسب بچه‌ها را شرطی می‌کنیم و نمی‌دانیم با این کار که به ظاهر نتیجه بُرد دارد، فضا را رقابتی می‌کنیم. روش‌های آشکار و پنهان تنبیه و تشویق افراد را برای بقا در سیستم به جان هم می‌اندازد و هرچند به ظاهر افراد مجبور به انجام وظایف خود علی‌رغم میل باطنی می‌شوند اما بررسی‌ها نشان می‌دهد افراد با این شیوه وظایف خود را در حد انتظاری که از پیش برایشان تعیین شده انجام می‌دهند، نه با تمام توان خود. به زعم «الفی کهن» افت بهره‌وری در محیط‌های کاری، بحران مدارس، انحراف فرزندان مان از ارزش‌های اخلاقی نتایجی است که شیوه رفتارگرایی در پی داشته است. او در کتاب خود با بررسی دقیق، شش فصل اول کتاب را به چرایی مخالفت با رفتارگرایی پرداخته و در شش فصل دوم به تاثیر منفی پاداش و راه‌حل‌های جایگزین آن در ارتباط با عملکرد کارمندان، یادگیری دانش‌آموزان و رفتار کودکان در محیط خانه می‌پردازد.

الفی به مدیران، معلمان و والدین تاکید می‌کند «مهم نیست که فرد چه قدر انگیزه دارد اما مهم است که انگیزه چه‌طور در او ایجاد شده است.» تاکید او بر ایجاد انگیزه درونی در مقابل انگیزه‌های بیرونی و ارجاعات او به آزمایش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است، خوانندگان بسیاری را مجاب کرده که کنترل از راه تشویق و تنبیه ظاهرا و در کوتاه‌مدت جواب می‌دهد اما در بلندمدت زیان‌های بسیاری به جا می‌گذارد از جمله این‌که «درسی که تنبیه می‌دهد

استفاده از قدرت است و به کودک نمی‌گوید چرا و چه‌گونه رفتار کند.» و درسی که تشویق می‌دهد این است که «افراد به محض دریافت پاداش، علاقه خود را به آن از دست می‌دهند.» هم‌چنین شیوه‌های آموزشی رفتارگرا را به نقد می‌کشد و توصیه می‌کند با نمره‌گرایی مبارزه کنید، دانش‌آموزان در مدرسی با این رویکرد، چیزهایی را یاد می‌گیرند که از بافت زندگی جدا است. این مدارس از چنین شیوه‌هایی استقبال می‌کنند چون دنبال کردن این روال نیاز به تلاش زیادی ندارد ضمناً کنترل کلاس درس را هم راحت می‌کند. اما دیدگاه نه تنبیه نه تشویق، که کهن بر آن تاکید دارد به معلم راهکارهایی می‌دهد از جمله این‌که مهارت را در قالب‌های مرتبط با زندگی به دانش‌آموز بیاموزند و با دادن تکالیف متنوع فضای رقابتی را تعدیل و انگیزه‌های درونی را در او ایجاد کند و بسیاری راهکارهای دیگر. پس اگر در خانه، مدرسه و محل کار می‌خواهید با آگاهی، شیوه تنبیه و تشویق خود را تغییر دهید کتاب الفی کهن به کمک شما خواهد آمد.